

مقایسه و تعیین میزان هم‌خوانی اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی استان لرستان، و والدین و آموزگاران آنها

دکتر علی‌محمد احمدوند

استادیار دانشگاه امام حسین

علی‌محمد رضایی

کارشناس ارشد روان‌سنجی دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

هدف از این پژوهش مقایسه‌ی اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌ی استان لرستان، و والدین و آموزگاران آنها، و همچنین تعیین میزان هم‌خوانی و توافق پاسخ‌گویان در اولویت‌بندی ارزش‌ها است. بدین منظور، با نمونه‌گیری خوشه‌ئی چندمرحله‌ئی، ۱۴۷۴ دانش‌آموز از دبیرستان‌های استان لرستان به همراه والدین و آموزگاران آنها گزیده‌شدند و به آزمون ارزش‌سنج منصور پاسخ دادند. یافته‌ها نشان داد میان نسل جدید (دانش‌آموزان)، نسل میانه (آموزگاران)، و نسل گذشته (والدین)، جز در ارزش‌های «شاگرد خوب بودن» ($P = 0/229$)، «هم‌دردی با دیگران» ($P = 0/115$)، و «دفاع از منافع خود» ($P = 0/289$)، در دیگر ارزش‌های بررسی‌شده تفاوتی معنادار در سطح $P \leq 0/01$ دیده‌شد. میان دانش‌آموزان دختر و پسر، جز در ارزش‌های «دلیری»، «خوش‌سیمایی»، «ورزیده‌گی دست‌ها»، «حرف‌شنوی»، و «دفاع از منافع خود»، در دیگر ارزش‌های بررسی‌شده تفاوتی معنادار در سطح $P \leq 0/05$ دیده‌شد.

دانش‌آموزان و والدین آنها بیش‌ترین میزان هم‌خوانی را در اولویت‌بندی ارزش‌ها داشتند. هر سه گروه پاسخ‌گویان، «اعتقاد به خدا» را مهم‌ترین ارزش و اولویت نخست، و «پول‌داری» را کم‌اهمیت‌ترین ارزش و آخرین اولویت از ارزش‌های بیست‌گانه دانستند. پنج اولویت نخست همه‌ی پاسخ‌گویان چنین بود: «اعتقاد به خدا»، «تربیت و فرهنگ»، «راست‌گویی»، «هم‌دلی با پدر و مادر»، و «نظم و ترتیب». پنج اولویت آخر پاسخ‌گویان نیز چنین بود: «ورزیده‌گی دست‌ها»، «خوش‌سیمایی»، «نیرومندی»، «سرزبان داشتن»، و «پول‌داری».

کلیدواژه‌ها: مقایسه‌ی ارزش‌ها؛ ارزش‌های دانش‌آموزان؛ ارزش‌های والدین؛ ارزش‌های آموزگاران؛

در تدوین این نوشتار از راهنمایی‌های ارزنده‌ی استاد ارج‌مند، آقای دکتر علی دلاور استفاده‌ی فراوان نمودیم؛ برای زحمات‌شان سپاس‌گزار ایشان ایم.

مقدمه

ارزش‌ها به عنوان اصول راهنمای مهم زنده‌گی (مایو، ۱۹۹۸)، معیارهای مطلوب برای داوری درباره‌ی رفتار، رخدادها، و مردم، در پی‌ریزی و بیان نگرش‌ها، و هنگام‌گزینش و مستدل ساختن رفتارها (منستد و هیوستون^۲، ۱۹۹۶)، باورهای امر و نهی‌کننده در مورد الگوهای آرمانی رفتار، و حالت غایی وجود (روکیچ^۳، ۱۹۷۳) تعریف شده‌است. شوآرتز^۴ و هم‌کارانش ارزش‌ها را چنین تعریف کرده‌اند: (أ) مفاهیم یا باورهایی که (ب) به رفتارها یا موقعیت‌های نهایی مطلوب مربوط اند، (ج) فراتر از موقعیت‌های ویژه اند، (د) گزینش یا ارزش‌یابی رفتار و رخدادها را هدایت می‌کنند، و (ه) بر اساس اهمیت‌شان مرتب می‌شوند (کانسولی و ویلیامز^۵، ۱۹۹۹). ارزش‌ها مفاهیم مطلوبی هستند که فرد می‌خواهد آن‌ها را دارا باشد، گزینش‌های افراد بر پایه‌ی آن‌ها صورت می‌گیرد، و دارای نیروی انگیزش اند و فرد را وادار به عمل می‌کنند. ارزش‌ها به مردم توانایی داوری و تصمیم‌گیری در موقعیت‌های مختلف می‌دهد. بر پایه‌ی ارزش‌ها است که افراد انسانی نیازها و خواسته‌های خود را در کنش روبه‌رو، سازمان‌دهی و تنظیم می‌کنند و به ارزیابی رفتار خود و دیگران می‌پردازند. سنجهی خوبی و بدی، خواستن و نخواستن، پسندیده و ناپسند، مهر و کین، دل‌شده‌گی و دل‌زده‌گی، موافقت و مخالفت، همه بر محور ارزش‌ها است. ارزش‌ها به اندازه‌ی در زنده‌گی ما نفوذ دارند که راستای عمل خود را از ارزش‌ها می‌بایم، پیرامون خویش را با ارزش‌ها تفسیر می‌کنیم، و حتا جایگاه خود را در زنجیره‌ی اجتماعی و سامانه‌ی لایه‌بندی اجتماعی با ارزش‌ها توجیه می‌کنیم. در خیلی اوقات اطاعت و فرمانبری از قدرت‌مندان را بر پایه‌ی ارزش‌ها مشروع و لازم می‌پنداریم، و یا در شرایطی دیگر، ارزش‌ها ممکن است عصیان و نافرمانی از قدرت‌مندان را در ما برانگیزانند. بر مبنای ارزش‌ها است که به ایده و مسلکی پای‌بند می‌شویم. ارزش‌ها هستند که اهداف و مقاصد ما را در زنده‌گی اجتماعی تعیین می‌کنند و به ما در رسیدن به اهداف و مقاصد خویش نیرو و جنبش می‌بخشند.

ارزش‌ها به عنوان طرح کلی برای تصمیم‌گیری و حل دوگانه‌گی‌ها به کار می‌روند و سنجه یا ملاک‌های رفتار به شمار می‌آیند. آن‌ها تبیینات بالقوه استواری از رفتار انسان فراهم می‌آورند که می‌توان با آن‌ها رفتارهای مختلف را هم‌چون رفتار مصرف‌کننده، رفتار سازمانی، کمک‌های خیریه، اعتیاد دارویی، گرایش سیاسی، و تفاوت‌های میان‌فرهنگی پیش‌بینی کرد. افزون بر این‌ها، سامانه‌ی ارزشی فرد می‌تواند در موقعیت‌هایی هم‌چون

1. Maio, G. F.
2. Manstead, A., & Hewstone, M.
3. Rokeach, M.
4. Schwartz, S. H.
5. Consoli, A. J., & Williams, L.



گزینش رشته‌ی تحصیلی، انتخاب شغل، تصمیم‌گیری در ازدواج، انتخاب شیوه‌ی زنده‌گی، و احتمالاً پیش‌گیری یا دوچار شدن به برخی آسیب‌های روانی دخالت داشته‌باشد. ارزش‌ها بر ویژگی‌های دیگر منش تأثیر می‌گذارند و در هم‌آهنگی با آن‌ها سازگاری فرد را با پیرامون و دیگران مشخص می‌کنند.

افزون بر نقشی که ارزش‌ها در انگیزش درونی به عهده دارند، موضوع فشارهای اجتماعی که برای عمل به ارزش‌ها ایجاد می‌شوند، قابل توجه است. هر ارزشی که به عنوان یک هنجار یا قاعده‌ی اجتماعی پذیرفته می‌شود بر پایه‌ی دیدگاه‌های روان‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان، فشار یا نیرویی را بر افراد تحت نفوذ آن فرهنگ می‌آورد تا افراد را به پای‌بندی و عمل به آن ارزش‌ها وادارد. در حقیقت، این فشاری که از سوی جامعه به افراد می‌آید دو کارکرد مهم پدید می‌آورد: یکی این که افراد را به سوی هدف‌های غایی خود راهنمایی می‌کند، و دیگر این که با پاداش‌های اجتماعی برآمده از هم‌رنگی با جامعه از رفتار وی سپاس‌گزاری می‌نماید.

ارزش‌ها به عنوان معیارهایی پسندیده هنگام داوری درباره‌ی رفتار خود و دیگران، رخ‌دادها، مردم، انتخاب هدف‌های زنده‌گی، پیوند ساختن با دیگران، شکل دادن و بیان نگرش‌ها، و همچنین هنگام توجیه منطقی اعمال و رفتارها به کار می‌روند (صانعی، ۱۳۷۲). افراد بدون داشتن ارزش‌های مناسب در دنیا احساس بیگانه‌گی می‌کنند و هویت، ارزش، و اهمیت خود را از دست می‌دهند. همچنین بدون داشتن یک سامانه‌ی ارزشی مشکل است که فرد بتواند یک جریان عمل یا یک شیوه‌ی زنده‌گی را برگزیند (هرگن‌هان و اولسون، ۱۹۹۹).

به طور کلی ارزش‌ها شیوه‌ی برداشت و تلقی افراد را، هم نسبت به پیرامون خود، و هم نسبت به ماهیت وجودی و نقش‌های اجتماعی‌شان، و انتظارات و چشم‌داشت‌هایی که از جامعه دارند، معین و مشخص می‌کند. ارزش‌ها با آموزش و گسترش انتظارات و چشم‌داشت‌های همانند، و همچنین تعیین معیارها و ضوابط یک‌سان و یک‌نواخت برای قضاوت نسبت به امور مختلف، موجب هم‌بسته‌گی میان افراد و پایداری روابط اجتماعی می‌گردد (صانعی، ۱۳۷۲).

هم‌چنان که ارزش‌ها الهام‌بخش داوری‌ها هستند، الهام‌بخش رفتارها نیز هستند. ارزش‌ها بر رفتارهای افراد تأثیر می‌گذارند و به عنوان سنجه‌ئی برای ارزیابی کنش دیگران به شمار می‌روند. معمولاً ارزش‌ها کاملاً گسترده و انتزاعی هستند و گونه‌ئی ویژه از رفتار را در موقعیتی واقعی دیکته می‌کنند (محسین‌راد، ۱۳۷۰).

جان سخن این که ارزش‌ها می‌توانند طی سازوکاری اجتماعی در ژرفنای احساس و در پس وجدان و لایه‌های زیرین منش افراد انسانی نفوذ کنند و شیوه‌های عمل، احساس، و اندیشه‌ی انسانی را رهبری، ساخت‌دهی و تعیین بخشند (محبوبی‌منش، ۱۳۸۰).

وقتی سخن از ارزش و ارزش‌ها به میان می‌آید، اغلب ارزش‌های دینی و مذهبی به ذهن‌خطور می‌کند، اما به‌واقع چنین نیست. تحقیقات مختلفی که در داخل و خارج از کشور انجام شده لایه‌های ارزشی مختلفی را نشان داده‌است. برای نمونه، ارزش‌های شش‌گانه‌ی نظری^۱، اقتصادی^۲، اجتماعی^۳، سیاسی^۴، زیبایی‌شناختی^۵، و مذهبی^۶ (آل‌پورت، ورنون، و لیندزی^۷، ۱۹۶۰b)، ارزش‌های میان‌فردی شامل پشتیبانی^۸، هم‌نوائی با دیگران (تبعیت‌جویی)^۹، شناسایی^{۱۰}، استقلال^{۱۱}، خیرخواهی^{۱۲}، و رهبری^{۱۳} (گوردون^{۱۴}، ۱۹۶۰)، ارزش‌های هشت‌گانه‌ی قدرت^{۱۵}، دانش^{۱۶}، دارائی^{۱۷}، احترام^{۱۸}، سلامت^{۱۹}، مهارت^{۲۰}، مهرورزی^{۲۱}، و درست‌کاری^{۲۲} (لاس‌ول^{۲۳}، ۱۹۷۱؛ مک‌دوگال، ریس‌من، و ویلارد^{۲۴}، ۱۹۸۸)، چهار بعد ارزشی هوفستد^{۲۵} که تأثیر قابل توجهی روی رفتار در همه‌ی فرهنگ‌ها دارند شامل استقلال فردی، اصالت زنده‌گی اجتماعی، پرهیز از تردید، فاصله قدرت، و مردسالاری و زن‌سالاری (هوفستد، ۲۰۰۳).

افزون بر آن، بک^{۲۶} (۱۹۹۳) در کتاب خود، *آموختن برای زنده‌گی بهتر*، ارزش‌ها را در شش دسته بخش‌بندی نمود: ارزش‌های بنیادی (مانند زیستن، سلامتی، و شادمانی)، ارزش‌های معنوی (مانند آگاهی، کمال، حق‌شناسی، امیدواری، فروتنی، عشق، و مهربانی)، ارزش‌های اخلاقی (مانند مسئولیت‌پذیری، دلیری، خودپایی^{۲۷}، اعتمادپذیری، درست‌کاری، و راستی)، ارزش‌های سیاسی و اجتماعی (مانند دادگری، شکیبایی، هم‌کاری، و وفاداری)،

1. Theoretical
2. Economic
3. Social
4. Political
5. Aesthetic
6. Religious
7. Allport, G. W., Vernon, P. T., & Lindzey, G.
8. Support
9. Conformity
10. Recognition
11. Independence
12. Benevolence
13. Leadership
14. Gordon, L. V.
15. Power
16. Enlightenments
17. Wealth
18. Respect
19. Well-being
20. Skill
21. Affection
22. Rectitude
23. Lasswell, H. D.
24. McDougal, M. S., Reisman, W. M., & Willard, A. R.
25. Hofstede
26. Beck
27. Self-control



ارزش‌های میانجی^۱ (مانند شایسته‌گی، توانایی و ظاهر جسمانی، روابط خویشاوندی مناسب، توانایی خواندن و نوشتن، و امنیت مالی)، و ارزش‌های ویژه^۲ (مانند خودرو، تلفن، دوست یگانه، دانش‌نامه‌ی بالا).

راکیچ (۱۹۷۳) ارزش‌ها به دو دسته بخش‌بندی کرد: ارزش‌های وسیله‌ئی^۳، و ارزش‌های پایانی^۴. وی ارزش وسیله‌ئی را باور شخص به این که کدام شیوه‌ی کردار پسندیده و کدام ناپسند است، و ارزش پایانی را هدف‌های پسندیده یا ناپسند حالت هستی تعریف کرد. ارزش‌های ابزاری دربردارنده‌ی مفاهیمی همچون راستی، دوستی، مهرورزی، مسئولیت‌پذیری، و دلیری، و ارزش‌های غایی دربرگیرنده‌ی مفاهیمی همچون آزادی، برابری، صلح جهانی، و هم‌آهنگی درونی است. ارزش‌های مورد نظر راکیچ ۱۸ ارزش وسیله‌ئی و ۱۸ ارزش پایانی را در بر دارد که به صورت واژه‌ها یا عبارات کوتاه تدوین شده‌است و برای سنجش اهمیت نسبی این ارزش‌ها در دیدگاه آزمودنی به کار می‌رود؛ بدین سان که آزمودنی ۱۸ ارزش هر دسته را بر حسب اهمیتی که برای او «به عنوان اصول راهنمای زنده‌گی‌اش» دارد، از ۱ (مهمترین) تا ۱۸ (کم‌اهمیت‌ترین) رتبه‌بندی می‌کند (فهدر^۵، ۱۹۸۶).

شوآرتز (۱۹۹۶) در راستای کار راکیچ ارزش‌ها را به ارزش‌های غایی و ابزاری بخش‌بندی کرده‌است. وی ارزش‌ها را به صورت اهدافی غایی در قالب عبارات اسمی، برای نمونه فرمان‌بری، و ارزش‌های ابزاری را در قالب عبارات وصفی، برای نمونه فرمان‌بردار آورده‌است. برخی از ۵۷ گویه‌های ارزشی شوآرتز چنین است: آرامش درونی، عدالت اجتماعی، امنیت خانواده، احترام به والدین، مؤدب بودن، انضباط شخصی، امنیت ملی، پاکیزه‌گی و لطافت، خلاقیت، محافظت از محیط، حفظ وجهه‌ی اجتماعی، ثروت، دلیری، و کام‌جویی. لازم به توضیح است که ۵۷ گویه‌ی ارزشی شوآرتز در ۱۰ دسته‌ی ارزشی با نام «گونه‌های انگیزشی ارزشی^۶» شامل خیرخواهی، سنت^۷، هم‌نوائی با دیگران (تبعیت‌جویی)، امنیت^۸، قدرت، پیش‌رفت^۹، کام‌جویی^{۱۰}، انگیزش‌پذیری^{۱۱}، خود-راه‌بری^{۱۲}، و جهانی‌نگری^{۱۳} بخش‌بندی شده‌است (فهدر، ۲۰۰۲).

در ایران نیز پژوهش‌های مختلفی درباره‌ی ارزش‌ها انجام شده‌است. برای نمونه احمدی (۱۳۷۸) در ساخت آزمون سامانه‌ی ارزشی دانشجویان، هشت مقوله‌ی ارزشی را مشخص نمود

1. Intermediate
2. Specific
3. Instrumental Values
4. Terminal Values
5. Feather, N. T.
6. Motivation Types of Values
7. Tradition
8. Security
9. Achievement
10. Hedonism
11. Stimulation
12. Self-direction
13. Universalism

که چنین است: خیرخواهی، مذهبی، دانش^۱، وجهه‌ی اجتماعی^۲، لذت‌گرایی، قدرت، اقتصادی، و هنری^۳. طاهری (۱۳۸۲) نیز در تلاش برای ساخت آزمونی برای سنجش سلسله‌مراتب ارزش‌های دانش‌آموزان شش‌ده‌سده‌ی مذهبی، دانش، زیبایی‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی، و قدرت را مشخص نمود.

چیره‌گی هر کدام از ارزش‌های یادشده باعث بروز رفتار و گرایش‌های مختلفی در افراد می‌شود. برای نمونه، گرایش اصلی فرد دارای ارزش نظری، حقیقت‌یابی است. دانش و شناخت و سازمان‌دهی به آن تنها هدف این فرد است. فردی که دارای ارزش اقتصادی است، علاقه‌مند به چیزی است که سودمند باشد. این فرد میل دارد که از نظر دارایی برتر از دیگران باشد. بالاترین ارزش فرد اجتماعی مهر به مردم است. فرد دارای ارزش اجتماعی دیگران را غایت و هدف می‌بیند و آدم‌ها را به خاطر این که انسان اند ارزش‌مند می‌داند؛ و از همین رو مهربان، دارای گذشت، و هم‌دل است. فرد سیاسی پیش از هر چیز علاقه‌مند به قدرت است؛ علاقه‌مندی به قدرت و نفوذ شخصی و شهرت که تنها محدود به حوزه‌ی سیاست نیست. فرد زیبایی‌پسند ارزش را در شکل و هم‌آهنگی می‌بیند. مهمترین ارزش فرد مذهبی یکتاجویی است؛ او پارسا است و معنویت و یگانه‌گی را با فراموش کردن خود و یکی شدن در یگانه می‌یابد (آل‌پورت، ۱۹۶۰a).

فرد دارای ارزش هم‌نوایی در موقعیت‌های اجتماعی و به هنگام تصمیم‌گیری و انتخاب، اولویت بیش‌تری به هنجارها و آداب و رسوم اجتماعی می‌دهد. فرد دارای ارزش استقلال (نقطه‌ی مقابل تبعیت‌جویی) تحت تأثیر فشار گروه اکثریت تغییر نمی‌کند. وی به عقاید و اهداف شخصی خود ارزش بیش‌تری می‌دهد تا پیروی از هنجارهای گروهی، و به این دلیل برای پای‌بندان به این ارزش پذیرش موقعیت‌هایی که زیر نگاه و پایش دیگران باشند سخت است. فرد دارای ارزش رهبری گرایش به مسئولیت‌پذیری، اعمال نفوذ، و بر عهده گرفتن نقش سودهنده در تصمیم‌گیری‌های گروهی دارد (گوردون، ۱۹۶۰).

افراد در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف به نسبت‌های گوناگون در جست‌وجوی برخی ارزش‌ها یا همه‌ی آن‌ها هستند. مسلم آن است که هیچ فرد یا جامعه‌ی سالم نمی‌تواند همه‌ی تلاش‌های خود را در فراهم آوردن تنها یک ارزش به کار اندازد. برای نمونه، اگر کسی تنها در جست‌وجوی ارزش قدرت باشد و در پی دستیابی به ارزش‌های دیگر، مانند دانش و مهارت که حتماً برای دسترسی به ارزش قدرت و پاینده‌گی آن بایسته است برنیاید، اندک‌اندک توانایی خود را برای دستیابی به ارزش قدرت نیز از دست خواهد داد. به طور کلی، هر چه فرهنگی غنی‌تر و پیش‌رفته‌تر باشد و هر قدر حکومت‌ها به دموکراسی

1. Knowledge
2. Prestige
3. Art



به معنای واقعی آن نزدیک‌تر شده‌باشند، افراد بیش‌تری از مردم از شمار بیش‌تری از ارزش‌ها در سطحی گسترده‌تر برخوردار خواهندبود (صانعی، ۱۳۷۴).

به طور کلی، آدمی ارزش‌های خود را در نخستین سال‌ها و گام‌های زنده‌گی از والدین و از درون خانواده به عنوان نخستین نهاد ارزش‌گذار و منتقل‌کننده‌ی ارزش‌ها، دریافت می‌کند. به عبارتی، فرزندان در جریان اجتماعی شدن، مجموعه‌ی قوانین، هنجارها، و ارزش‌های خانواده و جامعه را به دست می‌آورند و به پیروی از آن‌ها همت می‌گمارند. اما این وضعیت، عمری دراز نخواهدداشت؛ زیرا جوانان و نوجوانان با پشت سر گذاردن دوران کودکی و ورود به مرحله‌ی نوجوانی، و هم‌سو با دگرگونی‌های بزرگی که در ساختار زیستی-روانی آن‌ها شکل می‌گیرد، بیگانه‌گی‌شان با ارزش‌های ارائه‌شده از سوی والدین و مربیان بیش‌تر می‌شود. در این مرحله از تحول، نوجوان در همه‌ی باورها و اعتقادات پیشین خود تردید می‌کند و علیه همه‌ی هنجارها و ارزش‌ها سر به شورش برمی‌دارد. والدین و مربیان و ارزش‌هایی که توسط این افراد به نوجوانان عرضه می‌شود از دایره‌ی این مخالفت و عصیان‌گری بیرون نمی‌رود.

افزون بر این، دنیای جدید فشار بسیار زیادی بر انسان‌ها آورده و موجب تغییر سریع اهداف، نگرش‌ها، باورها، اعتقادات و ارزش‌های جوامع بشری شده‌است. به باور مک‌دوگال (نقل از خداریجی، ۱۳۷۴)، جوامع تبدیل به جوامعی صنعتی شده، و صنعتی شدن نیز با فروپاشی ارزش‌های اخلاقی و سنتی مذهبی هم‌راه گشته‌است. این فروپاشی با باورهای مربوط به شیوه‌ی زنده‌گی، کاهش راست‌کرداری مالی و اخلاقی، و افزایش میزان طلاق و جرم و بیگانه‌گی‌زایی ساختار شغلی نظام صنعتی تشدید می‌شود.

کاجر^۱ (نقل از یاسایی، ۱۳۷۴) نیز در پژوهش‌های گسترده‌ی خود دریافت که امروزه ارزش‌های اجتماعی و شخصی نسبتاً محافظه‌کارانه‌تر شده‌است. در میان نوجوانان و جوانان علاقه‌ی بیش‌تری به رفاه شخصی و کام‌یابی اقتصادی دیده‌می‌شود، در حالی که علاقه به رفاه دیگران به ویژه تهی‌دستان در کل جامعه کاهش یافته‌است (به دلیل همین تغییر در ارزش‌ها و علایق، درصد دانش‌جویانی که به رشته‌های هنر، علوم انسانی و اجتماعی روی می‌آورند کم‌تر شده و درصد آن‌هایی که رشته‌هایی مثل بازرگانی و مهندسی را انتخاب می‌کنند افزایش یافته‌است). در سطح فردی نیز دانش‌جویانی که کمک کردن به دیگران هنگام گرفتاری را غایتی مهم می‌شمردند در دهه‌ی گذشته اندکی کاهش یافته‌است. یکی از دلایل این دگرگونی را شاید بتوان در گسترش بدبینی عمومی نسبت به ایده‌تولوژی‌ها و نهادهای اجتماعی (دادگاه‌ها، مدارس، و دستگاه‌های اجرایی) یافت. امروزه جوانان در مورد

1. ???

لغزش‌ناپذیری و گاه‌حدا در مورد اخلاقی بودن ارزش بسیاری از نهادهای اجتماعی شک و تردید پیدا کرده‌اند.

از همین رو، سده‌ی کنونی را دوران دگرگونی و تزلزل ارزش‌ها (ی اخلاقی، سنتی، و مذهبی) نامیده‌اند. در جوامع امروزی، مفاهیم ارزشی جایگاه خود را از دست داده‌اند. مفاهیمی مانند آزادی، عدالت اجتماعی، و برابری انسان‌ها مورد تعبیر و تفسیرهای گوناگون قرار گرفته و گاه به ضد خود تبدیل شده‌اند (احمدی، ۱۳۶۸).

با نگرش به دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی، و هم‌چنین تحولاتی که به تزلزل ارزش‌ها (ی اخلاقی، سنتی، و مذهبی) انجامیده، شناخت ارزش‌ها از جایگاهی ویژه برخوردار است. زیرا نفوذ عوامل گوناگون فرهنگی، پیدایش مکاتب مختلف فلسفی، تبلیغ عقاید گوناگون، و اعمال قدرت توسط قدرت‌های برتر، ارزش‌ها را پیچیده‌تر ساخته و آن‌ها را در معرض تعبیر و تفسیرهای مختلف قرار داده‌است (بوستانی، ۱۳۸۰). به همین رو، بررسی ارزش‌ها، یعنی ضوابط انتخاب و داوری. پدیده‌های گوناگون زیست اجتماعی می‌تواند به شناخت درست‌تر روابط علی در ساخت اجتماعی و فرهنگی کمک کند و علل موفقیت یا شکست ملت‌ها را در دستیابی به آرمان‌های خود مشخص سازد.

اهداف پژوهش

اهداف این پژوهش چنین است:

- ۱- تعیین اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی استان لرستان، و هم‌چنین والدین و آموزگاران آن‌ها.
- ۲- مقایسه‌ی ارزش‌های دانش‌آموزان دبیرستانی استان لرستان با والدین و آموزگاران آن‌ها.
- ۳- مقایسه‌ی ارزش‌های والدین و آموزگاران دانش‌آموزان دبیرستانی استان لرستان.
- ۴- مقایسه‌ی ارزش‌های دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی استان لرستان.
- ۵- بررسی هم‌بستگی اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان، والدین، و آموزگاران با هم.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی استان لرستان و والدین و آموزگاران این دانش‌آموزان چه‌گونه است؟
- ۲- آیا میان اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی استان لرستان و والدین و آموزگاران آن‌ها رابطه وجود دارد؟



۳- آیا در هر یک از ارزش‌های بیست‌گانه، بین دیدگاه‌های پاسخ‌گویان (دانش‌آموزان، والدین، آموزگاران) درباره‌ی میزان اهمیتی که برای آن ارزش قائل شده‌اند تفاوت معناداری وجود دارد؟

۴- آیا در هر یک از ارزش‌های بیست‌گانه بین دیدگاه‌های دانش‌آموزان دختر و پسر درباره‌ی میزان اهمیتی که برای آن ارزش قائل شده‌اند تفاوت معناداری وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

هر آن چه در جهان هستی وجود دارد یا شاید وجود داشته‌باشد بار ارزشی می‌یابد و انسان‌ها بی آن‌که خود بخواهند یا بدانند همه چیز را بر روی طیفی از زشت تا زیبا، از خوب تا بد ارزیابی می‌کنند و بدین سان سلسله‌مراتبی از ارزش‌ها را پدید می‌آورند. این ارزش‌ها به مرور زمان در افراد و به صورت جمعی در جامعه جایگاهی ثابت و استوار می‌یابد و پایه‌ی رفتارهای انسانی را می‌سازد و طبیعتاً به سان همه چیز دنیا در رویارویی با اوضاع متغیر انسان و جامعه دگرگون می‌شود. در این باره، گفته‌می‌شود که ارزش‌ها همراه با نوع تمدن تغییر می‌کند و در درون یک تمدن واحد نیز ارزش هر گروه و دسته‌ی اجتماعی با ارزش‌های گروه و دسته‌های دیگر فرق دارد. بنابراین، با نگرش به این که گذشت زمان در دیدگاه‌ها و باورها و فرهنگ جوامع تغییر ایجاد می‌کند و ارزش‌های افراد که از فرهنگ و تمدن ملی و قومی پدید آمده‌اند از این تحول به دور نمی‌ماند، بسیار ضروری است که پس از گذشت یک ربع قرن از انقلاب شکوهمند اسلامی ارزش‌های لایه‌های مختلف مردم به‌ویژه نسل جوان بررسی گردد تا از این راه نقطه‌ی آغازی برای هر نوع برنامه‌ریزی در این زمینه مشخص شود و بتوان با برنامه‌ریزی درخور، جامعه را به سوی ارزش‌های درست راهنمایی نمود.

روش پژوهش

در این پژوهش با توجه به اهداف آن دو روش به کار گرفته‌شد: روش زمینه‌یابی^۱ و روش هم‌بستگی^۲.

روش زمینه‌یابی به این دلیل انتخاب شد که بتوانیم اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان، والدین، و آموزگاران آن‌ها را توصیف نماییم، داده‌هایی گسترده از جامعه به دست آوریم، و اجزای نمونه را با یک‌دیگر مقایسه کنیم. از روش هم‌بستگی نیز به این دلیل استفاده شد

1. Survey Research
2. Correlation Research

که پایایی پرسش‌نامه را به روش هم‌سانی درونی^۱ تعیین و میزان هم‌بستگی (توافق) بین نظرات پاسخ‌گویان (دانش‌آموزان، والدین، و آموزگاران) را مشخص کنیم.

جامعه‌ی آماری

در این پژوهش از ۳ جامعه‌ی آماری استفاده شد: همه‌ی دانش‌آموزان دبیرستانی استان لرستان که در سال تحصیلی ۸۲-۸۳ مشغول به تحصیل بودند؛ والدین این دانش‌آموزان؛ و آموزگاران این دانش‌آموزان.

برای انتخاب نمونه‌ی معرف از دانش‌آموزان دبیرستانی استان لرستان، روش نمونه‌گیری خوشه‌ی چند مرحله‌ی، و برای تعیین تعداد نمونه‌ی مورد نیاز فرمول زیر به کار رفت:

$$n = \frac{z^2 pq}{d^2}$$

p، q و d، به ترتیب ۰/۱، ۰/۹، و ۰/۰۷ در نظر گرفته شد. بدین سان، با سطح اطمینان ۹۵ درصد، تعداد نمونه‌ی مورد نیاز برای هر دوره‌ی تحصیلی ۷۱ نفر، برای هر شهرستان ۱۴۲ نفر، و برای کل استان (۹ شهرستان) ۱۲۷۸ نفر به دست آمد. لازم به توضیح است در این پژوهش افزون بر دانش‌آموزان، آزمون ارزش‌ها برای والدین و آموزگاران دانش‌آموزان گزیده شده نیز اجرا و اولویت‌های ارزشی آن‌ها نیز تعیین شد.

حجم نمونه‌ی انتخابی به تفکیک شهرستان محل سکونت در جدول ۱ و به تفکیک جنسیت دانش‌آموزان در جدول ۲ آمده است.

جدول ۱- حجم نمونه‌ی انتخابی به تفکیک شهرستان محل سکونت

شهرستان	پاسخ‌گویان	دانش‌آموزان	والدین	آموزگاران	تعداد کل
نورآباد	۱۸۰	۱۸۰	۱۸۰	۳۱	۳۹۱
الشت	۱۸۰	۱۸۰	۱۸۰	۲۹	۳۸۹
خرم‌آباد	۱۴۴	۱۴۴	۱۴۴	۲۳	۳۱۱
بروجرد	۱۷۵	۱۷۵	۱۷۵	۳۰	۳۸۰
ازنا	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۲۹	۳۴۹
دورود	۱۲۵	۱۲۵	۱۲۵	۲۵	۲۷۵
الیگودرز	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۳۰	۳۳۰
پلدختر	۱۸۰	۱۸۰	۱۸۰	۳۰	۳۹۰
کوه‌دشت	۱۸۰	۱۸۰	۱۸۰	۳۰	۳۹۰
کل	۱'۴۷۴	۱'۴۷۴	۱'۴۷۴	۲۵۷	۳'۲۰۵



جدول ۲- حجم نمونه‌ی انتخابی دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
دختر	۷۳۹	۵۰٫۱	۵۰٫۱
پسر	۷۳۵	۴۹٫۹	۱۰۰٫۰

ابزار پژوهش

برای بررسی اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان، والدین، و آموزگاران، آزمون ارزش‌سنج ساخته شده به وسیله‌ی منصور (نقل از محمداسماعیل، ۱۳۷۱) به کار آمد. این آزمون ۲۰ عبارت ارزشی دارد (جدول ۳) و آزمودنی باید این ارزش‌ها را بر پایه‌ی اهمیتی که به آن‌ها می‌دهد از ۱ (مهم‌ترین ارزش)، تا ۲۰ (کم‌اهمیت‌ترین ارزش) رتبه‌بندی کند.

جدول ۳- گویه‌های ارزشی پرسش‌نامه‌ی منصور

ردیف	ارزش	عبارت ارزشی در پرسش‌نامه
۱	اعتقاد به خدا	معتقد و با خدا باشد.
۲	تربیت و فرهنگ	مؤدب و تربیت شده باشد.
۳	راست‌گویی	رو راست و راست‌گو باشد.
۴	هم‌دلی با پدر و مادر	با پدر و مادر تفاهم داشته باشد.
۵	شرم و حیا	با شرم و باحیا باشد.
۶	دفاع از منافع خود	از منافع خود دفاع کند.
۷	دلیری	باجرات و باشهامت باشد.
۸	نظم و ترتیب	مرتب و منظم باشد.
۹	شاگرد خوب بودن	شاگرد خوبی باشد.
۱۰	هم‌دلی با دوستان	دوستان‌اش را خوب بفهمد و با آن‌ها همراه باشد.
۱۱	کمک به دیگران	همواره برای کمک و خدمت به دیگران آماده باشد.
۱۲	شاگرد پرکار بودن	شاگرد پرکاری باشد.
۱۳	خودبسنده‌گی	به تنهایی از عهده‌ی کارهای خود برآید.
۱۴	خوش‌سیمایی	خوش‌سیما باشد.
۱۵	هم‌دردی با دیگران	به ناراحتی دیگران توجه داشته باشد.
۱۶	حرف‌شنوی	مطیع و حرف‌شنو باشد.
۱۷	پول‌داری	پول‌دار باشد.
۱۸	نیرومندی	قوی و پرزور باشد.
۱۹	سرزبان‌داری	سرزبان‌دار باشد.
۲۰	ورزیده‌گی دست‌ها	از مهارت دست‌ها برخوردار باشد.

ناگفته نماند که در این پژوهش برای این که ارزشی بالاترین نمره را می‌یابد در جایگاه نخست و ارزشی که پایین‌ترین نمره را می‌گیرد در آخر بیاید، داده‌های به‌دست‌آمده

پس از گردآوری با دستور recode دوباره کدگذاری شد؛ بدین سان که نمره‌ی ۲۰ برای مهم‌ترین ارزش و نمره‌ی ۱ برای کم‌اهمیت‌ترین ارزش در نظر گرفته شد. برای سنجش پایایی درونی ابزار، ضریب آلفای کرون‌باخ^۱ (کرونباخ، ۱۹۵۱؛ کرونباخ، ۱۹۷۰)، به کار رفت. یافته‌ها نشان داد که میزان این ضریب برای دانش‌آموزان ۰/۷۳، برای والدین ۰/۸۳، و برای آموزگاران ۰/۸۰ است که همه‌گی مطلوب و رضایت‌بخش هستند.

روش اجرای پرسش‌نامه

پس از نمونه‌گیری و مشخص شدن نمونه‌ی موردنظر و برقراری هم‌آهنگی‌های لازم با آموزش و پرورش استان لرستان، و هر یک از شهرستان‌های این استان، پرسش‌گران با مجوز کتبی به مدارس موردنظر مراجعه و پس از توجیه طرح پژوهش و جلب همکاری اولیای مدرسه، آزمون ارزش‌سنج آل‌پورت را برای دانش‌آموزان، والدین، و آموزگاران اجرا نمودند. پیش از توزیع پرسش‌نامه به پاسخ‌گویان گفته شد که شرکت در پژوهش و پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه کاملاً داوطلبانه است، و کسانی که مایل نیستند می‌توانند از پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه صرف‌نظر کنند. افزون بر آن، برای کاهش حالات دفاعی و بازداری در پاسخ‌دهی به پرسش‌ها، از پاسخ‌گویان خواسته شد که نام‌های خود را بر روی پاسخ‌نامه ننویسند. پس از توزیع، گردآوری، کدگذاری، و ورود داده‌ها به رایانه، داده‌های آماری با نرم‌افزار آماری SPSS 11.5 تجزیه و تحلیل شد.

بررسی داده‌ها و یافته‌ها

پرسش ۱- اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی استان لرستان و والدین و آموزگاران این دانش‌آموزان چه‌گونه است؟

برای تعیین اولویت‌های ارزشی پاسخ‌گویان آزمون رتبه‌ئی فریدمن^۲ به کار گرفته شد (جدول ۴ و ۵). یافته‌ها نشان می‌دهد که میان اولویت‌های ارزشی هر کدام از گروه‌ها در سطح $P < 0/001$ تفاوتی معنادار وجود دارد. هر سه گروه (دانش‌آموزان، والدین، و آموزگاران) «اعتقاد به خدا» را مهم‌ترین ارزش و «پول‌داری» را کم‌اهمیت‌ترین ارزش دانسته‌اند. پنج اولویت نخست هر سه گروه چنین بود: «اعتقاد به خدا»، «ترتیب و فرهنگ»، «راست‌گویی»، «هم‌دلی با پدر و مادر»، و «نظم و ترتیب». پنج اولویت آخر هر سه گروه نیز چنین بود: «ورزیده‌گی دست‌ها»، «خوش‌سیمایی»، «نیرومندی»، «سرزبان‌داری»، و «پول‌داری».

1. Cronbach, L. J.
2. Friedman Test



جدول ۴- میانگین رتبه‌های به‌دست‌آمده برای اولویت‌های ارزشی پاسخ‌گویان با آزمون فریدمن

اولویت	اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان	میانگین نمره‌ها	اولویت‌های ارزشی والدین	میانگین نمره‌ها	اولویت‌های ارزشی آموزگاران	میانگین نمره‌ها
۱	اعتقاد به خدا	۱۶/۵۵	اعتقاد به خدا	۱۶/۸۵	اعتقاد به خدا	۱۶/۳۰
۲	تربیت و فرهنگ	۱۴/۹۳	راست‌گویی	۱۵/۲۸	تربیت و فرهنگ	۱۵/۶۲
۳	راست‌گویی	۱۴/۷۵	تربیت و فرهنگ	۱۵/۱۳	راست‌گویی	۱۵/۶۲
۴	هم‌دلی با پدر و مادر	۱۳/۳۱	هم‌دلی با پدر و مادر	۱۴/۱۲	نظم و ترتیب	۱۴/۰۰
۵	نظم و ترتیب	۱۲/۹۰	نظم و ترتیب	۱۳/۴۹	هم‌دلی با پدر و مادر	۱۳/۵۰
۶	شرم و حیا	۱۱/۸۸	دلیری	۱۱/۹۶	کمک به دیگران	۱۲/۲۲
۷	دلیری	۱۱/۵۸	شرم و حیا	۱۱/۷۳	دلیری	۱۱/۸۲
۸	کمک به دیگران	۱۱/۴۶	کمک به دیگران	۱۱/۰۸	شاگرد خوب بودن	۱۱/۴۷
۹	شاگرد خوب بودن	۱۰/۸۲	شاگرد خوب بودن	۱۰/۸۸	شاگرد پرکار بودن	۱۱/۳۰
۱۰	هم‌دردی با دیگران	۱۰/۵۰	هم‌دردی با دیگران	۱۰/۲۱	شرم و حیا	۱۰/۹۷
۱۱	هم‌دلی با دوستان	۱۰/۴۷	خودبسنده‌گی	۱۰/۲۰	هم‌دردی با دیگران	۱۰/۹۳
۱۲	دفاع از منافع خود	۱۰/۴۲	شاگرد پرکار بودن	۱۰/۰۹	هم‌دلی با دوستان	۱۰/۴۳
۱۳	خودبسنده‌گی	۱۰/۰۰	دفاع از منافع خود	۹/۹۱	دفاع از منافع خود	۱۰/۱۳
۱۴	شاگرد پرکار بودن	۹/۹۰	حرف‌شنوی	۹/۷۹	خودبسنده‌گی	۱۰/۱۱
۱۵	حرف‌شنوی	۹/۰۲	هم‌دلی با دوستان	۹/۳۶	حرف‌شنوی	۸/۳۹
۱۶	ورزیده‌گی دست‌ها	۷/۳۴	ورزیده‌گی دست‌ها	۷/۴۹	ورزیده‌گی دست‌ها	۷/۰۰
۱۷	خوش‌سیمایی	۶/۶۵	خوش‌سیمایی	۶/۶۶	خوش‌سیمایی	۵/۶۸
۱۸	نیرومندی	۶/۲۷	نیرومندی	۵/۷۶	نیرومندی	۵/۳۵
۱۹	سرزبان‌داری	۵/۶۷	سرزبان‌داری	۴/۹۳	سرزبان‌داری	۴/۸۰
۲۰	پول‌داری	۵/۵۹	پول‌داری	۴/۸۰	پول‌داری	۴/۳۹

جدول ۵- آماره‌های آزمون فریدمن برای اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان، والدین، و آموزگاران

گروه	تعداد	χ^2	درجه‌ی آزادی	P
دانش‌آموزان	۱۴۷۴	۷۲۰۳/۰۱	۱۹	۰/۰۰۰*
والدین	۱۴۷۴	۸۷۱۴/۳۵	۱۹	۰/۰۰۰*
آموزگاران	۲۵۷	۱۶۶۸/۷۵	۱۹	۰/۰۰۰*

* تفاوت‌ها در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار است.

پس از تعیین اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان، والدین، و آموزگاران، اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت آن‌ها بررسی شد (جدول ۶). یافته‌ها نشان می‌دهد که میان اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوتی معنادار در سطح $P < ۰/۰۰۱$ وجود دارد. هر دو گروه دانش‌آموزان دختر و پسر ارزش‌های یکسانی را در پنج اولویت نخست خود آورده‌اند؛ اما ترتیب اولویت‌های ارزشی ششم تا آخر آن‌ها تا حدودی متفاوت است.

برای نمونه، ارزش «شرم و حیا» از سوی دانش‌آموزان پسر در اولویت ششم و از سوی دانش‌آموزان دختر در اولویت هفتم آمده‌است. ارزش‌های «اعتقاد به خدا»، «تربیت و فرهنگ»، «راست‌گویی»، «هم‌دلی با پدر و مادر»، و «نظم و ترتیب» نزد دانش‌آموزان دختر و پسر اهمیت بسیار زیادی دارد؛ به گونه‌ئی که برای همه‌ی آنان پنج اولویت نخست را می‌سازد. به سخن دیگر، دانش‌آموزان دختر و پسر بسیار علاقه‌مند اند که خود و دوستان‌شان دارای چنین ارزش‌هایی باشند.

جدول ۶- اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان دختر و پسر

اولویت	اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان دختر	میانگین نمره‌ها	اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان پسر	میانگین نمره‌ها
۱	اعتقاد به خدا	۱۵/۷۴	اعتقاد به خدا	۱۷/۳۷
۲	تربیت و فرهنگ	۱۴/۴۵	تربیت و فرهنگ	۱۵/۴۲
۳	راست‌گویی	۱۴/۳۱	راست‌گویی	۱۵/۲۰
۴	هم‌دلی با پدر و مادر	۱۳/۲۰	هم‌دلی با پدر و مادر	۱۳/۴۲
۵	نظم و ترتیب	۱۲/۷۴	نظم و ترتیب	۱۳/۰۷
۶	دلیری	۱۱/۶۶	شرم و حیا	۱۲/۳۴
۷	شرم و حیا	۱۱/۴۳	کمک به دیگران	۱۱/۵۰
۸	کمک به دیگران	۱۱/۴۱	دلیری	۱۱/۵۰
۹	هم‌دلی با دوستان	۱۰/۶۱	شاگرد خوب بودن	۱۱/۱۳
۱۰	دفاع از منافع خود	۱۰/۵۸	هم‌دردی با دیگران	۱۰/۴۶
۱۱	هم‌دردی با دیگران	۱۰/۵۴	هم‌دلی با دوستان	۱۰/۳۳
۱۲	شاگرد خوب بودن	۱۰/۵۱	خودبسنده‌گی	۱۰/۲۶
۱۳	خودبسنده‌گی	۹/۷۵	دفاع از منافع خود	۱۰/۲۵
۱۴	شاگرد پرکار بودن	۹/۵۹	شاگرد پرکار بودن	۱۰/۲۱
۱۵	حرف‌شنوی	۹/۱۹	حرف‌شنوی	۸/۸۴
۱۶	ورزیده‌گی دست‌ها	۷/۶۷	ورزیده‌گی دست‌ها	۷/۰۱
۱۷	نیرومندی	۷/۰۱	خوش‌سیمایی	۶/۳۶
۱۸	خوش‌سیمایی	۶/۹۴	نیرومندی	۵/۵۰
۱۹	سرزبان‌داری	۶/۳۴	سرزبان‌داری	۴/۹۸
۲۰	پول‌داری	۶/۳۳	پول‌داری	۴/۸۵

جدول ۷- آماره‌های آزمون فریدمن برای اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان دختر و پسر

گروه	تعداد	χ^2	درجه‌ی آزادی	P
دانش‌آموزان دختر	۷۳۹	۲۸۰۰/۸۲	۱۹	۰/۰۰۰*
دانش‌آموزان پسر	۷۳۵	۴۵۵۲/۲۴	۱۹	۰/۰۰۰*

* تفاوت‌ها در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار است.



پرسش ۲- آیا میان اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان دبیرستان استان لرستان و والدین و آموزگاران آن‌ها رابطه وجود دارد؟

برای پاسخ‌گویی به این پرسش روش هم‌بستگی اسپیرمن^۱ به کار گرفته شد. یافته‌ها نشان داد که دامنه‌ی ضرایب هم‌بستگی به‌دست‌آمده برای دانش‌آموزان و والدین‌شان، از ۰/۲۰ تا ۰/۳۷، و میانگین هم‌بستگی‌های به‌دست‌آمده ۰/۳۰ می‌باشد. دامنه‌ی ضرایب هم‌بستگی به‌دست‌آمده برای دانش‌آموزان و آموزگاران‌شان، از ۰/۱۲ تا ۰/۲۸ و میانگین هم‌بستگی‌ها ۰/۱۹ است. دامنه‌ی ضرایب هم‌بستگی به‌دست‌آمده برای والدین و آموزگاران از ۰/۰۸ تا ۰/۲۹ و میانگین آن نیز ۰/۱۸ است.

افزون بر محاسبه‌ی هم‌بستگی برای هر یک از ارزش‌ها، برای سلسله‌مراتب ارزش‌های پاسخ‌گویان نیز ضریب هم‌بستگی اسپیرمن برآورد شد، تا مشخص گردد که در کل، دیدگاه‌های پاسخ‌گویان چه‌قدر هم‌بستگی دارد. یافته‌ها نشان داد که میان دانش‌آموزان و والدین‌شان ۰/۹۸، میان دانش‌آموزان و آموزگاران‌شان ۰/۸۹، و میان والدین و آموزگاران ۰/۹۰ هم‌بستگی وجود دارد که همه‌گی در سطح $P \leq 0.001$ معنادار است. هم‌چنان که دیده‌می‌شود بیش‌ترین هم‌بستگی میان دانش‌آموزان و والدین آن‌ها وجود دارد.

پرسش ۳- آیا در هر یک از ارزش‌های بیست‌گانه، بین دیدگاه‌های پاسخ‌گویان (دانش‌آموزان، والدین، آموزگاران) درباره‌ی میزان اهمیتی که برای آن ارزش قائل شده‌اند تفاوت معناداری وجود دارد؟

برای پاسخ‌گویی به این پرسش، از آزمون فریمن برای مقایسه‌ی دیدگاه‌های سه گروه (جدول ۸)، و از آزمون رتبه‌های نشانه‌دار ویل‌کاکسون^۲ برای مقایسه‌های دوتایی گروه‌ها (جدول ۹) استفاده شد.

برای کنترل خطای نوع اول از روش بون‌فرونی استفاده شد. با استفاده از این روش، $\alpha = 0.017$ در نظر گرفته شد. به جز ارزش‌های «شاگرد خوب بودن» ($P = 0.229$)، «هم‌دردی با دیگران» ($P = 0.115$)، و «دفاع از منافع خود» ($P = 0.289$)، برای دیگر ارزش‌های بررسی‌شده نتایج آزمون فریمن در سطح $P \leq 0.006$ معنادار است.

داده‌های جدول ۹ نشان می‌دهد که میان نسل‌های مختلف (نسل جدید: دانش‌آموزان، نسل میانه: آموزگاران، و نسل گذشته: والدین) از لحاظ میزان اهمیتی که برای ارزش‌ها قائل اند، تفاوت‌های معناداری وجود دارد.

1. Spearman's Rho
2. Wilcoxon Signed Ranks Test

جدول ۸- نتایج آزمون فریدمن برای مقایسه‌ی ارزش‌های دانش‌آموزان، والدین، و آموزگاران

P	درجه‌ی آزادی	χ ²	میانگین رتبه‌ها			ارزش
			والدین	دانش‌آموزان	آموزگاران	
۰/۰۰۰ **	۲	۳۵/۷۴	۲/۱۳	۱/۹۱	۱/۹۶	هم‌دلی با پدر و مادر
۰/۰۰۰ **	۲	۱۰۷/۲۶	۱/۹۲	۱/۸۶	۲/۲۲	تربیت و فرهنگ
۰/۰۰۰ **	۲	۶۶/۶۰	۱/۹۸	۱/۸۶	۲/۱۶	راست‌گویی
۰/۲۲۹	۲	۲/۹۵	۲/۰۱	۱/۹۶	۲/۰۳	شاگرد خوب بودن
۰/۰۰۰ **	۲	۴۵/۱۴	۱/۹۷	۱/۸۹	۲/۱۴	شاگرد پرکار بودن
۰/۰۰۰ **	۲	۳۶/۹۹	۱/۹۱	۱/۹۷	۲/۱۳	کمک به دیگران
۰/۰۰۰ **	۲	۱۶/۵۳	۲/۰۷	۱/۹۳	۲/۰۲	دلبری
۰/۰۰۰ **	۲	۲۲/۴۸	۲/۰۲	۲/۰۸	۱/۹۰	پول‌داری
۰/۰۰۰ **	۲	۵۵/۳۰	۲/۰۲	۱/۸۵	۲/۱۳	نظم و ترتیب
۰/۰۰۶ *	۲	۱۰/۲۱	۲/۰۴	۱/۹۳	۲/۰۳	خودبسنده‌گی
۰/۱۱۵	۲	۴/۳۲	۱/۹۶	۲/۰۰	۲/۰۴	هم‌دردی با دیگران
۰/۰۰۰ **	۲	۳۷/۸۷	۱/۸۷	۲/۰۸	۲/۰۶	هم‌دلی یا دوستان
۰/۰۰۰ **	۲	۴۰/۸۱	۲/۱۰	۲/۰۳	۱/۸۷	خوش‌سیمایی
۰/۰۰۰ **	۲	۱۹/۹۰	۲/۰۹	۲/۰۰	۱/۹۲	ورزیده‌گی دست‌ها
۰/۰۰۰ **	۲	۳۵/۴۹	۲/۱۰	۱/۹۱	۲/۰۰	اعتقاد به خدا
۰/۰۰۰ **	۲	۲۳/۱۷	۲/۰۵	۲/۰۶	۱/۸۹	نیرومندی
۰/۰۰۰ **	۲	۸۱/۰۲	۲/۱۸	۱/۹۷	۱/۸۴	حرف‌شنوی
۰/۲۸۹	۲	۲/۴۹	۱/۹۷	۲/۰۱	۲/۰۳	دفاع از منافع خود
۰/۰۰۰ **	۲	۳۶/۹۸	۱/۹۶	۲/۱۳	۱/۹۱	سرزبان‌داری
۰/۰۰۳ *	۲	۱۱/۸۷	۲/۰۵	۲/۰۳	۱/۹۳	شرم و حیا

* تفاوت‌ها در سطح $P < 0/006$ معنادار است.** تفاوت‌ها در سطح $P < 0/001$ معنادار است.

به ارزش‌های «تربیت و فرهنگ»، «راست‌گویی»، «شاگرد پرکار بودن»، و «نظم و ترتیب»، والدین بیش از دانش‌آموزان، و آموزگاران بیش از هر دو گروه والدین و دانش‌آموزان اهمیت می‌دهند.

به ارزش‌های «پول‌داری» و «سرزبان‌داری»، والدین بیش از آموزگاران، و دانش‌آموزان بیش از هر دو گروه والدین و آموزگاران اهمیت می‌دهند.

ارزش‌های «هم‌دلی با پدر و مادر» و «اعتقاد به خدا»، برای والدین از هر دو گروه آموزگاران و دانش‌آموزان مهم‌تر است؛ در حالی که اهمیت این ارزش‌ها برای آموزگاران و دانش‌آموزان یک‌سان است.



جدول ۹- نتایج آزمون ویلکاکسون برای مقایسه‌های دوتایی گروه‌های بررسی‌شده

نتیجه	مقایسه‌های دوتایی و مقادیر P		
	والدین > آموزگاران	والدین < دانش‌آموزان	آموزگاران < دانش‌آموزان
تربیت و فرهنگ	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.001^{**}$
راست‌گویی	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.001^{**}$
شاگرد پرکار بودن	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.005^*$	$P \leq 0.001^{**}$
نظم و ترتیب	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.001^{**}$
پول‌داری	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.010^*$	$P \leq 0.001^{**}$
سرزبان‌داری	$P \leq 0.003^*$	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.001^{**}$
حرف‌شنوی	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.001^{**}$
ورزیده‌گی دست‌ها	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.004^*$	$P \leq 0.004^*$
هم‌دلی با پدر و مادر	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.050$
اعتقاد به خدا	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.087$
دلبری	$P \leq 0.476$	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.001^{**}$
خودبسنده‌گی	$P \leq 0.926$	$P \leq 0.009^*$	$P \leq 0.009^*$
خوش‌سیمایی	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.061$	$P \leq 0.001^{**}$
نیرومندی	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.500$	$P \leq 0.001^{**}$
شرم و حیا	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.436$	$P \leq 0.001^{**}$
هم‌دلی با دوستان	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.655$
کمک به دیگران	$P \leq 0.001^{**}$	$P \leq 0.092$	$P \leq 0.001^{**}$

* تفاوت‌ها در سطح $P < 0.001$ معنادار است.

** تفاوت‌ها در سطح $P < 0.001$ معنادار است.

به ارزش‌های «حرف‌شنوی» و «ورزیده‌گی دست‌ها»، دانش‌آموزان بیش از آموزگاران، و والدین بیش از هر دو گروه دانش‌آموزان و آموزگاران اهمیت داده‌اند. ارزش‌های «دلیری» و «خودبسندگی» برای والدین و آموزگاران بیش‌تر از دانش‌آموزان مهم است؛ در حالی که اهمیت این دو ارزش برای والدین و آموزگاران یکسان است. ارزش‌های «خوش‌سیمایی»، «نیرومندی»، و «شرم و حیا» را دانش‌آموزان و والدین بیش از آموزگاران مهم می‌دانند؛ در حالی که خود اهمیتی یکسان به این ارزش‌ها می‌دهند.

به ارزش «هم‌دلی با دوستان»، دانش‌آموزان و آموزگاران بیش از والدین اهمیت می‌دهند؛ اما میزان اهمیت این ارزش برای دانش‌آموزان و آموزگاران هم‌اندازه است. برای ارزش «کمک به دیگران»، آموزگاران بیش از دانش‌آموزان و والدین اهمیت دانسته‌اند؛ در حالی که اهمیت این ارزش برای دانش‌آموزان و والدین یکسان است.

پرسش ۴- آیا در هر یک از ارزش‌های بیست‌گانه بین دیدگاه‌های دانش‌آموزان دختر و پسر دربارهی میزان اهمیتی که برای آن ارزش قائل شده‌اند تفاوت معناداری وجود دارد؟

برای پاسخ‌گویی به این پرسش، آزمون ناپارامتری u من‌ویتنی^۱ به کار رفت (جدول ۱۰). یافته‌ها نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دختر به ارزش‌های «پول‌داری»، «نیرومندی»، و «سرزبان‌داری» بیش از دانش‌آموزان پسر اهمیت می‌دهند؛ در حالی که به ارزش‌های «هم‌دلی با پدر و مادر»، «تربیت و فرهنگ»، «راست‌گویی»، «شاگرد خوب بودن»، «شاگرد پرکار بودن»، «کمک به دیگران»، «نظم و ترتیب»، «خودبسندگی»، «هم‌دردی با دیگران»، «هم‌دلی با دوستان»، «اعتقاد به خدا»، و «شرم و حیا»، دانش‌آموزان پسر بیش از دانش‌آموزان دختر اهمیت می‌دهند.

میزان اهمیت ارزش‌های دیگر «دلیری» ($P = 0/101$)، «خوش‌سیمایی» ($P = 0/081$)، «ورزیده‌گی دست‌ها» ($P = 0/786$)، «حرف‌شنوی» ($P = 0/407$)، و «دفاع از منافع خود» ($P = 0/705$) نزد دانش‌آموزان دختر و پسر متفاوت نیست.

برای آگاهی بهتر و دقیق‌تر از یافته‌های تحقیق، درصدهای مربوط به اولویت‌های ارزشی پاسخ‌گویان برآورد شد. درصدهای مربوط به اولویت نخست پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۳۱/۲۸ درصد دانش‌آموزان، ۲۸/۹۵ درصد والدین، و ۲۷/۹۹ درصد آموزگاران، از میان ارزش‌های بیست‌گانه، ارزش «اعتقاد به خدا» را دارای اولویت نخست دانسته‌اند (جدول ۱۱).

1. ???

جدول ۱۰- نتایج آزمون u من‌ویتنی برای مقایسه‌ی ارزش‌های دانش‌آموزان دختر و پسر

P	Z	میانگین رتبه‌ها	تعداد	جنسیت	ارزش
۰/۰۰۸ **	-۲/۶۵۰	۶۹۱/۵۳	۷۳۹	دختر	هم‌دلی با پدر و مادر
		۷۴۹/۶۳	۷۳۵	پسر	
۰/۰۰۰ ***	-۷/۱۸۹	۶۴۳/۲۶	۷۳۹	دختر	تربیت و فرهنگ
		۸۰۰/۶۲	۷۳۵	پسر	
۰/۰۰۰ ***	-۶/۵۲۳	۶۵۱/۸۶	۷۳۹	دختر	راست‌گویی
		۷۹۴/۸۳	۷۳۵	پسر	
۰/۰۰۰ ***	-۴/۸۲۹	۶۶۰/۳۶	۷۳۹	دختر	شاگرد خوب بودن
		۷۶۵/۵۷	۷۳۵	پسر	
۰/۰۰۰ ***	-۴/۹۴۲	۶۶۶/۶۰	۷۳۹	دختر	شاگرد پرکار بودن
		۷۷۴/۸۵	۷۳۵	پسر	
۰/۰۰۱ ***	-۳/۳۵۷	۶۸۴/۸۱	۷۳۹	دختر	کمک به دیگران
		۷۵۸/۳۹	۷۳۵	پسر	
۰/۱۰۱	-۱/۶۴۰	۷۰۱/۱۵	۷۳۹	دختر	دلیری
		۷۳۷/۰۲	۷۳۵	پسر	
۰/۰۲۲ *	-۲/۲۹۶	۷۳۹/۷۲	۷۳۹	دختر	پول‌داری
		۶۸۹/۹۰	۷۳۵	پسر	
۰/۰۰۰ ***	-۴/۲۷۰	۶۷۴/۴۶	۷۳۹	دختر	نظم و ترتیب
		۷۶۸/۰۰	۷۳۵	پسر	
۰/۰۰۰ ***	-۴/۵۹۴	۶۶۹/۴۵	۷۳۹	دختر	خودبسته‌گی
		۷۶۹/۹۷	۷۳۵	پسر	
۰/۰۱۳ *	-۲/۴۷۲	۶۹۶/۴۱	۷۳۹	دختر	هم‌دردی با دیگران
		۷۵۰/۶۶	۷۳۵	پسر	
۰/۰۱۳ *	-۲/۰۱۱	۷۰۰/۹۸	۷۳۹	دختر	هم‌دلی با دوستان
		۷۴۵/۱۱	۷۳۵	پسر	
۰/۰۸۱	-۱/۷۴۴	۷۳۴/۹۱	۷۳۹	دختر	خوش‌سیمایی
		۶۹۶/۸۵	۷۳۵	پسر	
۰/۷۸۶	-۰/۲۷۲	۷۲۰/۴۶	۷۳۹	دختر	ورزیده‌گی دست‌ها
		۷۱۴/۵۲	۷۳۵	پسر	
۰/۰۰۰ ***	-۸/۴۰۴	۶۳۵/۰۷	۷۳۹	دختر	اعتقاد به خدا
		۸۰۹/۵۴	۷۳۵	پسر	
۰/۰۰۶ **	-۲/۷۲۵	۷۴۴/۵۲	۷۳۹	دختر	نیرومندی
		۶۸۵/۱۱	۷۳۵	پسر	
۰/۴۰۷	-۰/۸۲۹	۷۱۱/۹۶	۷۳۹	دختر	حرف‌شنوی
		۷۳۰/۱۳	۷۳۵	پسر	
۰/۷۰۵	-۰/۳۷۹	۷۱۵/۸۶	۷۳۹	دختر	دفاع از منافع خود
		۷۲۴/۱۶	۷۳۵	پسر	
۰/۰۰۰ ***	-۳/۸۰۲	۷۵۰/۴۷	۷۳۹	دختر	سرزبان‌داری
		۶۶۷/۹۴	۷۳۵	پسر	
۰/۰۰۰ ***	-۶/۱۵۴	۶۵۳/۸۲	۷۳۹	دختر	شرم و حیا
		۷۸۸/۶۵	۷۳۵	پسر	

* تفاوت‌ها در سطح $P \leq 0/05$ معنادار است.

** تفاوت‌ها در سطح $P \leq 0/01$ معنادار است.

*** تفاوت‌ها در سطح $P \leq 0/001$ معنادار است.

جدول ۱۱- درصدهای مربوط به اولویت نخست پاسخ‌گویان (دانش‌آموزان، والدین، و آموزگاران)

ردیف	عنوان ارزش	پاسخ‌گویان		
		دانش‌آموزان	والدین	آموزگاران
۱	اعتقاد به خدا	۳۱/۲۸	۲۸/۹۵	۲۷/۹۹
۲	تربیت و فرهنگ	۸/۰۰	۶/۴۹	۱۰/۱۶
۳	راست‌گویی	۷/۱۹	۶/۸۰	۸/۱۷
۴	هم‌دلی با پدر و مادر	۶/۹۲	۷/۳۳	۵/۷۸
۵	شرم و حیا	۴/۲۰	۴/۲۱	۲/۹۹
۶	دفاع از منافع خود	۴/۰۱	۴/۲۸	۳/۷۸
۷	دلبری	۳/۸۰	۴/۲۷	۳/۹۸
۸	نظم و ترتیب	۳/۷۹	۳/۸۸	۵/۱۸
۹	شاگرد خوب بودن	۳/۵۸	۴/۲۹	۵/۰۸
۱۰	هم‌دلی با دوستان	۳/۱۰	۳/۱۴	۱/۵۹
۱۱	کمک به دیگران	۳/۰۳	۳/۵۱	۳/۰۹
۱۲	شاگرد پرکار بودن	۲/۹۸	۳/۶۶	۵/۴۸
۱۳	خودبسنده‌گی	۲/۷۰	۳/۳۷	۲/۶۹
۱۴	خوش‌سیمایی	۲/۵۸	۳/۶۲	۱/۵۹
۱۵	هم‌دردی با دیگران	۲/۵۰	۳/۰۶	۳/۰۹
۱۶	حرف‌شنوی	۲/۳۸	۳/۰۷	۱/۹۹
۱۷	پول‌داری	۲/۳۴	۱/۴۶	۲/۰۹
۱۸	نیرومندی	۲/۰۷	۱/۶۵	۱/۵۹
۱۹	سرزبان‌داری	۱/۸۵	۱/۵۶	۱/۶۹
۲۰	ورزیده‌گی دست‌ها	۱/۷۱	۲/۴۳	۱/۹۹

جمع‌بندی و پیشنهادها

همچنان که در بخش یافته‌های پژوهش دیده‌شد، پنج اولویت نخست همه‌ی پاسخ‌گویان (دانش‌آموزان دختر و پسر، والدین، و آموزگاران) چنین بود: «اعتقاد به خدا»، «تربیت و فرهنگ»، «راست‌گویی»، «هم‌دلی با پدر و مادر»، و «نظم و ترتیب».

لازم به توضیح است ارزش «اعتقاد به خدا» از سوی همه‌ی گروه‌های پاسخ‌گو اولویت نخست دانسته‌شده‌بود. توزیع فراوانی اولویت‌های ارزشی پاسخ‌گویان نیز نشان داد که ۳۱درصد دانش‌آموزان، ۲۹درصد والدین، و ۲۸درصد آموزگاران ارزش «اعتقاد به خدا» را از بین ارزش‌های بیست‌گانه در اولویت نخست دانسته‌اند؛ به عبارت دیگر تقریباً ۳۰درصد کل پاسخ‌گویان به ارزش «اعتقاد به خدا» اولویت داده‌اند که این نشان می‌دهد پاسخ‌گویان این



ارزش را مهم‌تر از ارزش‌های دیگر دانسته‌اند. بنابراین، این ارزش، ارزش چیره‌ی جامعه‌ی ما (و همچنین بیش‌تر جاهای دنیا) و موجب تقویت منابع فردی و اجتماعی در رویارویی با زنده‌گی و مشکلات آن است. پژوهش‌های مختلف در این زمینه نشان داده‌است که ارزش‌هایی که از جنبه‌ی متعالی‌تر برخوردار اند، مانند ارزش‌های مذهبی و خیرخواهی، می‌توانند در کاهش بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی، و تکامل و تعالی رفتار و شخصیت تأثیر مثبت داشته‌باشند. برای نمونه، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که باورهای مذهبی، متغیری مهم و اثرگذار در کاهش خودکشی (گاردنر، لارسون، و آلن، ۱۹۹۱)، کاهش استفاده از مواد مخدر (گاردنر، لارسون، و آلن، ۱۹۹۱؛ لاک و هیوز، ۱۹۸۵)، کاهش رفتار بزه‌کارانه (گاردنر، لارسون، و آلن، ۱۹۹۱)، کاهش اضطراب و ناراحتی‌های روانی (لیندن‌تال و هم‌کاران، ۱۹۷۰؛ استارک، ۱۹۷۱) و افزایش خوشنودی از ازدواج (اسپراوسکی و هاوس‌تون، ۱۹۷۸) است.

افزون بر آنچه گفته‌شد، بررسی هم‌سویی پاسخ‌گویان در اولویت‌بندی ارزش‌ها نشان داد که دانش‌آموزان و والدین آن‌ها بیش‌ترین میزان هم‌بستگی و هم‌سویی را با هم دارند. بررسی‌های پیشین نیز نشان‌دهنده‌ی این است که بیش‌ترین هم‌سویی دیدگاه‌ها میان والدین و فرزندان آن‌ها وجود دارد. برای نمونه، هارت‌شورن، می، و هم‌کاران^۶ (۱۹۲۶)، هم‌بستگی آرای کودکان را درباره‌ی درست و نادرست، با آرای اولیا، دوستان، سران باشگاه، آموزگاران مدرسه‌ی روزانه، و آموزگاران مدرسه‌ی مذهبی آن‌ها بررسی کردند و دریافتند که دیدگاه‌های کودکان بالاترین هم‌سویی را با والدین آن‌ها دارد.

کیتا و سیتارچیک^۷ (۱۹۹۴؛ نقل از طاهری، ۱۳۸۲) در پژوهشی با نام «نگرش‌های والدین و بحران ارزش‌ها در نوجوانان» دریافتند که نگرش‌های والدین می‌تواند در ایجاد یک سامانه‌ی ارزشی پایا و استوار در نوجوانان مؤثر باشد.

یافته‌های این پژوهش همچنین نشان داد که اگر چه همه‌ی گروه‌های پاسخ‌گو ارزش «اعتقاد به خدا» را در اولویت نخست و «پول‌داری» را در اولویت آخر گذارده‌اند، اما اهمیتی که هر یک از گروه‌های بررسی‌شده به هر یک از ارزش‌ها می‌دهد یک‌سان نیست. برای نمونه، دانش‌آموزان بیش از والدین و آموزگاران «پول‌داری» و «سرزبان داشتن» را مهم می‌دانند، و والدین و آموزگاران نیز هر کدام به ارزش‌هایی دیگر اهمیت بیش‌تر می‌دهند.

بسیاری از این تفاوت‌ها توجیه‌پذیر است؛ برای نمونه، کاملاً منطقی است که والدین به ارزش «هم‌دلی با پدر و مادر»، و آموزگاران به ارزش‌های «شاگرد پرکار بودن»، «نظم و

1. Gartner, J., Larson, D. B., & Allen, G. D.
 2. Loch, & Hughes
 3. Lindenthal, J. J., Myers, J. K., Pepper, M. P., & Stern, M. S.
 4. Stark, R.
 5. Sporawski, M. J., & Houghston, M. J.
 6. Hartshorne, H., & May, M. A., et al.
 7. Kita & Sitarczyk

ترتیب»، و «تربیت و فرهنگ» اهمیت بیش‌تری دهند؛ اما اگر دانش‌آموزان را نماینده‌ی نسل جدید، آموزگاران را نماینده‌ی نسل میانی، و والدین را نماینده‌ی نسل گذشته بدانیم، یافته‌ها نشان می‌دهد که نسل گذشته بیش از نسل میانی، و نسل جدید بیش از هر دو نسل میانی و گذشته، ارزش «پول‌داری» و «سرزبان داشتن» را مهم می‌داند. این می‌تواند ناشی از مقتضیات سنی، دگرگونی‌های اجتماعی، و یا هر عامل دیگری باشد که در جای خود نیازمند بررسی‌های موشکافانه‌تری است.

افزون بر این، دانش‌آموزان دختر ارزش‌های «پول‌داری»، «نیرومندی»، و «سرزبان‌داری» را بیش از دانش‌آموزان پسر مهم دانستند. در بررسی و گزارش احدی و محسنی (۱۳۷۰)، نیز نشان داده‌شد که عامل جنسیت ممکن است در شکل‌گیری عقاید و باورهای نوجوانان سهمی به‌سزا داشته‌باشد. در این زمینه آل‌پورت، ورنون، و لیندزی (۱۹۶۰a)، در پژوهش خود درباره‌ی ارزش‌ها به این نتیجه رسیدند که دختران از لحاظ ارزش‌های هنری، اجتماعی، و دینی در جایگاه بالاتری قرار دارند؛ در صورتی که پسران در ارزش‌های اقتصادی، سیاسی، و نظری جایگاه بالاتری به دست آوردند.

تحقیق گیلیگیان^۱ (۱۹۸۲؛ طاهری، ۱۳۸۲) نیز نشان داد که دختران، ادارک خود را از واقعیت به شیوه پسران سازمان نمی‌دهند. به علت تربیت سنتی، برای دختران معمولاً روابط بین فردی و روابط اجتماعی ارزش دارد. برای پسران کسب استقلال، به ویژه استقلال اقتصادی، ارزش دارد. لازم به توضیح است نتایج این مطالعه متناقض با یافته‌های آل‌پورت، ورنون و لیندزی، و گیلیگیان می‌باشد، و ضروری است که دلایل این امر در پژوهش جداگانه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به این که ارزش‌ها از طریق فرهنگ آموخته می‌شود (مک‌این‌تایر و هم‌کاران، ۱۹۹۴)، و آموزش و پرورش نیز فرآیندی مادام‌العمر است و هدف آن نه تنها سودآوری، که شکل‌دهی منش بر پایه‌ی بنیان‌های یک سامانه‌ی ارزشی است (مورسینا، ۲۰۰۱)، به مسئولان فرهنگی، آموزشی، و تربیتی، و دیگر دست‌اندرکاران سفارش می‌شود وضع مورد انتظار را برای ارزش‌های بررسی‌شده ترسیم کنند تا شکاف میان وضع موجود و موردانتظار مشخص، و راه‌کارها و چاره‌های لازم برای دستیابی به وضع مورد انتظار فراهم شود و با برنامه‌ریزی درست و پی‌گیری برنامه‌های آموزشی برگرفته از فرهنگ دینی و ملی در تثبیت ارزش‌های گروه‌های مختلف تلاش نمایند. در این باره، بایسته است چنان‌چه وضع موجود با وضع موردانتظار منطبق باشد برای ادامه‌ی روند کنونی، و در غیر این صورت، برای کم کردن فاصله و دستیابی به وضع موردانتظار برنامه‌های لازم پیش‌بینی شود.

1. ???

2. McIntyre, R., Claxton, R. P., & Jones, D. B.

3. Mursinna, H.



منابع

- احمدی، ا. (۱۳۶۸). بررسی مقدماتی گرایش‌های ارزشی در دانش‌جویان دانشگاه اصفهان. *مجله‌ی پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، ۲ (۱ و ۲).
- بوستانی، ا. (۱۳۸۰). تبیین دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی (ره) و دلالت‌های آن برای تربیت اخلاقی (اهداف و محتوا). [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش]. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- خدارحیمی، س. (۱۳۷۴). مفهوم سلامت روان‌شناختی. تهران: انتشارات جاودان خرد.
- دلاور، ع. (۱۳۷۸). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.
- صانعی، پ. (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی ارزش‌ها. چاپ ۱. تهران: کتابخانه‌ی گنج دانش.
- طاهری، ص. (۱۳۸۲). ساخت و هنجاریابی آزمون سلسله‌مراتب ارزش‌ها برای دانش‌آموزان شهر مشهد. [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روان‌سنجی]. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- غباری بناب، ب. (۱۳۷۴). باورهای مذهبی و اثرات آن‌ها در بهداشت روان. *مجله‌ی اندیشه و رفتار*. دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- کلاین‌برگ، ا. (۱۳۶۲). روان‌شناسی اجتماعی. برگردان ع. م. کاردان. تهران: نشر اندیشه.
- ماسن، پ. ه.، کیگان، ج.، هوستون، آ.، کانجر، ج. ج. (۱۳۷۴). رشد و شخصیت کودک. برگردان مهشید یاسائی. تهران: نشر مرکز.
- محبوبی‌منش، ح. (۱۳۸۱). سلسله‌مراتب ارزشی دانش‌جویان (بررسی مقایسه‌ی میان دانشگاه علوم انتظامی و دانشگاه تربیت معلم تهران). *فصل‌نامه‌ی دانش انتظامی*، ۴ (۲ و ۳). تابستان و پائیز.
- محسنیان راد، م. (۱۳۷۰). تغییر ارزش‌ها و انقلاب اسلامی. [پایان‌نامه‌ی دکتری جامعه‌شناسی]. تهران: دانشگاه آزاد.
- محمداسماعیل، ا. (۱۳۷۱). بررسی سلسله‌مراتب ارزش‌های نوجوانان دختر و والدین آن‌ها. [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی]. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- میرزاحسینی، ح. (۱۳۷۶). بررسی ارتباط بین ارزش‌های میان‌فردی و سازگاری اجتماعی. [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روان‌شناسی]. تهران: دانشگاه تهران.
- Allport, G. W., Vernon, P. E., & Lindzey, G. (1960a). *Study of Values*. Boston: Houghton Mifflin.
- Allport, G. W., Vernon, P. T., & Lindzey, G. (1960b). *Manual: Study of Values: A Scale for Measurement the Dominant Interests in Personality*. Boston: Houghton Mifflin.
- Consoli, A. J., & Williams, L. (1999). Commonalities in values among mental health counselors. *Journal of Counseling and Values*, 43, 106-115.
- Cronbach, L. J. (1951). Coefficient alpha and the internal structure. *Psychometrical*, 16, 297-334.
- Cronbach, L. J. (1970). *Essentials of Psychological Testing*. 3rd Ed. New York: Harper and Row International.
- Gartner, J., Larson, D. B., & Allen, G. D. (1991). Religious commitment and psychopathology: A review of the empirical literature. *Journal of Psychology and Theology*, 19, 6-25.

- Gordon, L. V. (1960). *Manual for the Survey of Interpersonal Values*. Chicago: Science Research Associates, Inc.
- Feather, N. T. (1986). Value systems across cultures Australia and China. *International Journal of Psychology, 21*, 697-715.
- Feather, N. T. (2002). Values and value dilemmas in relation to judgments concerning outcomes of an industrial conflict. *Personality and Social Psychology Bulletin, 28*, 446-459.
- Hartshorne, H., & May, M. A., et al. (1926). Testing the Knowledge of Right and Wrong. *Relig. Educ., 21*, 539-554.
- Hergenhahn, B. R., & Olson, M. H. (1999). *An Introduction to Theories of Personality*. 5th Edition. Prentice Hall.
- Hofstede, G. (2003) *Culture's Consequences, Comparing Values, Behaviors, Institutions, and Organizations across Nations Newbury Park*. 2nd Ed. CA: Sage Publications.
- Kinnear, P. R., Gray, C. D. (1999). *SPSS for Windows Made Simple*. 3rd Ed. Hove (UK): Psychology Press.
- Lasswell, H. D. (1971). *A Preview of Policy Sciences*. New York: American Elsevier.
- Lindenthal, J. J., Myers, J. K., Pepper, M. P., & Stern, M. S. (1970). Mental status and religious behavior. *Journal for the Scientific Study of Religion, 9*, 143-149.
- Maio, G. F. (1998). Values as truisms: Evidence and implications. *Journal of Personality and Social Psychology, 74*, 294-311.
- Manstead, A., & Hewstone, M. (1996). *The Blackwell Encyclopedia of Social Psychology*. Blackwell Co.
- McDougal, M. S., Reisman, W. M., & Willard, A. R. (1988). The world community: A planetary social process. *University of California Davis Law Review, 21*, 807-972.
- McIntyre, R., Claxton, R. P., & Jones, D. B. (1994). Empirical relationships between cognitive style and LOV: Implication for values and value systems. *Advances in Consumer Research, 21*, 141-146.
- Mursinna, H. (2001). Universal values: The cornerstone of education. *Journal of Education, 1074*, 381-385.
- Rokeach, M. (1973). *The Nature of Human Values*. Macmillan, New York: Free Press.
- Schwartz, S. H. (1996). Value priorities and behavior: Applying a theory of integrated value systems. In C. Seligman, J. M. Olson, & M. P. Zanna (Eds.), *The Psychology of Values: The Ontario Symposium*, (Vol. 8, pp. 1-24). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Sporawski, M. J., & Houghston, M. J. (1978). Prescriptions for happy marriage adjustments and satisfaction of couples married 50 years or more. *Family Coordinator, 27*, 321-327.
- Stark, R. (1971). Psychopathology and religious commitment. *Review of Religious Research, 12*, 165-176.
- Stark, R., Doyle, D. P., & Rushing, J. L. (1983). Beyond Durkheim: Religion and suicide. *Journal for the Scientific Study of Religion, 22*, 120-131.